

#### یادداشت

### آیاسنول نگران افکار عمومی در ایران نیست؟

**محمدحسین کبریا** - کار شناس سیاسی

● طبق اعلام مهرعلیان، مدیر کل اداره داروی سازمان غذا و دارو، دولت کره‌جنوبی صادرات دارو و مواد جانبی به ایران را متوقف کرده است. این اقدام در حالی رخ داده است‌که طبق سیاست اعلامی آمریکا، صدور مواد غذایی و دارویی به ایران تحریم نیست، البته سیاست اعمالی آمریکا متفاوت است و بعدی نیست در پشت پرده به دوستان خود مانند کره‌جنوبی، دستورالعمل متفاوتی را ارائه کرده باشد. در هر حال اقدام ضدبشری کره‌جنوبی چه با دستور آمریکا و چه بدون آن صورت گرفته باشد، محکوم است و مردم ایران چنین اقدامی را از کشوری که منافع زیادی را از بازار ایران کسب کرده و می‌کند، فراموش نخواهند کرد. جالب اینکه طبق گفته مهرعلیان، ایران در کره‌جنوبی دارای منابع ارزی است و مشکلی هم با بابت برداشت مبالغ مربوط به صادرات دارو و مواد اولیه دارویی ندارد، اما سننول تصمیم گرفته است به اقدامی فراتر از جنگ اقتصادی آمریکا در مسیر فشار حداکثری به مردم کشورمان، دست بزند.کره‌جنوبی در حالی از تحریم‌های نظام‌نامه آمریکا علیه ایران، سبقت می‌گیرد که سفیر این کشور در آبان سال گذشته در سفری که به رشت، مرکز استان گیلان، داشت، با بیان اینکه کشورش اقدام زیادی به افزایش ارتباطات خود با ایران دارد، ابراز کرد: «می‌توانیم با کمک یکدیگر بر تحریم‌های اعمال‌شده بر ایران غلبه کنیم.» به نظر می‌رسد سفیر این کشور به‌جای به‌کارگیری نام آمریکا در جملاتش اشتباه‌ا از کشور ایران نام برده است؛ چراکه اقدام سننول کاملا ضد مردم ایران و کمک به آمریکا در تئوریسم اقتصاد علی مردم‌گرفته است و فراتر از آن اقدامی علیه افراد بیمار و محتاج دارو و درمان است. این در حالی است که چه در گذشته و چه پس از اعمال تحریم‌های ظالمانه یک‌جانبه اخیر آمریکا علیه ایران، کره‌جنوبی از کشورهای پیشتر در پیوستن به تحریم‌ها بوده است. کره‌جنوبی در صندیت کالاهای تئوریسم اقتصاد علی مردم‌گرفته است و ناشی از رفتار بزگوارانه مردم و دولت ایران در قبال آن کشور پس از اجرائی‌شدن برجام و رفع تحریم‌های بین‌المللی علیه کشورمان است. سابقه تاریخی نشان می‌دهد سنول پیش از این هم بیشترین همراهی را در تحریم ایران داشته و با وجود واردات و فروش گسترده کالاهای ایران درچار اشتباه محاسباتی شده و این اشتباه بانک‌ها، بازرگانان و شهروندان ایرانی را ملزم به بستن حساب‌های خود در بانک‌های کراهی کرده و از سوی دیگر محدودیت‌های فراوانی را علیه بانک ملت شبیه سننول ایجاد کرده بود. رفتارهای غیردوستانه سنول تا جایی پیش رفت که به بهانه تحریم ایران، در المپیک زمستانی ۱۳۹۶ در رفتاری تحقیرآمیز از اهدای تبتل با گوشی سامسونگ به ورزشکاران ایرانی خودداری کرد. با وجود چنین رفتاری، مردم و دولت ایران پس از برجام رفتار بزرگمنشانه‌ای از خود نشان دادند و ضمن چشم‌پوشی از رفتار غیردوستانه سنول، بار دیگر راه را برای ورود کالاه‌ا و خدمات کراهی به بازار ایران باز کردند. شاید به‌خاطر این رفتار مردم و دولت ایران بدعادت شده است و گمان می‌کند همیشه چنین بزرگمنشی‌ای را از مردم و دولت ایران خواهد دید. کشوری که با تحریم صدور دارو اقدام بی‌رحمانه‌ای می‌کند و افراد بیمار و ضعیف را از بهبودی محروم می‌کند، دیگر لایق رفتاری بزرگ‌منشانه نیست.

سالارسیف‌الدینی: پیوستن ایران به کنوانسیون با معاهده رژیم حقوقی دریای خزر (کاسپین) با واکنش‌های متفاوتی در سطح افکار عمومی روبه‌رو شد. بسیاری نسبت به احتمال کوتاه‌آمدن ایران از حقوق قبلی خود در کاسپین اظهار نگرانی کرده‌اند و آن را در تضاد با اصل تمامیت ارضی و منافع ملی ارزیابی می‌کنند. برخی دیگر درخصوص پیامدهای آن تردید دارند. این واکنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌های خارج از کشور شدت و حدت متفاوتی داشت. رضا نظرآهاری از دیپلمات‌های باسابقه وزارت خارجه است که پیشینه چندین سفارت را در کارنامه خود دارد و اکنون علاوه‌بر نمایندگی ایران درامور خزر، مدیرکل دفتر هماهنگی روابط سیاسی و ابتکارهای منطقه‌ای وزارت خارجه نیز هست. وی معتقد است با پیوستن ایران به کنوانسیون خزر، منافع بیشتری عاید ایران خواهد شد و این چارچوب، کالاً با منافع ملی ایران هم‌راستاست. در گفت‌وگوی زیر از وی پرسیده‌ایم که این کنوانسیون چه دستاوردهایی برای منافع ملی ایران داشته است.

❧ لطفا در مقدمه بفرمایید که کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر تحت چه شرایطی و چگونه به امضای کشورهای ساحلی رسید و رویکرد کلی ایران در این کنوانسیون برای تأمین بیشترین منافع چه بود؟
کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر پس از یک روند مذاکراتی پیچیده و طولانی در ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ در اجلاس سران در بندر آکتائوی جمهوری قزاقستان به امضای رؤسای جمهور کشورهای ساحلی دریای خزر رسید. متن فعلی کنوانسیون از مدتی قبل آماده شده بود و کشورهای ساحلی بر مفاد آن توافق کرده بودند. برخی از موضوعات در متن کنوانسیون وجود داشت که کشورهای ساحلی راجع به آن توافق نداشتند و از جمله آن موضوعات، نحوه ترسیم خط مبدأ مستقیم در خزر بود که با توجه به اهمیت موضوع، این مسئله از متن کنوانسیون خارج و قرار شد طی سند دیگری مذاکره شود. درواقع، کشورهای ساحلی برای حفظ توافقات حاصله، به حل‌وفصل مرحله‌ای مسائل دریای خزر روی آورده‌اند و پس از تصمیم، متن فعلی کنوانسیون نهایی شد و به امضا رسید.

رویکرد کشورمان درباره مفاد کنوانسیون نیز بر اساس جایگاه و نقش دریای خزر برای کشورمان و با کسب نظر از تمام نهادهای مرتبط و مصوبات شورای‌عالی امنیت ملی تدوین و در روند مذاکرات با سایر کشورهای ساحلی خزر دنبال شده است. با نگاهی به متن کنوانسیون و مقایسه آن با اسناد قبلی دریای خزر، منافع ملی کشور در این سند به مراتب بهتر از اسناد قبلی حفظ شده است.

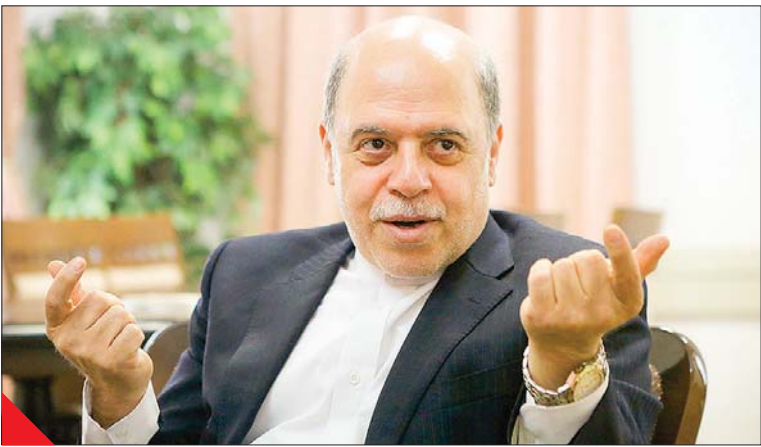
❧ سئوال مهمی که در ابتدای بحث مطرح می‌شود این است که در کنوانسیون، خزر به‌عنوان دریا پذیرفته شده است یا دریاچه یا مهم باقی مانده است؟ اصولاً اهمیت این بحث در چیست؟

در عرف و حقوق بین‌الملل تعاریفی برای اینکه یک پهنه آبی، دریاست یا دریاچه و هرکدام چه رژیم حقوقی‌ای دارند، ارائه شده است. در ابتدای مذاکرات راجع به تدوین کنوانسیون نیز این موضوع مطرح شد، ولی خارج از این موضوع که خزر دریاست یا دریاچه، تصمیم مهم کشورهای ساحلی بر این مبنا قرار گرفته که فقط کشورهای حاشیه خزر صلاحیت تصمیم‌گیری درباره مسائل این دریا را دارند و قوانین و مقررات حاکم بر این دریا نیز باید بر اساس توافق و اجماع نظر تمام کشورها تدوین و نهایی شود و خزر مشمول کنوانسیون حقوق بین‌الملل دریاها ۱۹۸۲ نخواهد بود. بنابراین شما در متن کنوانسیون برخی از موضوعات را می‌بینید که نمونه آن در سایر

### دیپلماسی

در گفت‌وگو با رضا نظر‌آهاری، نماینده ویژه جمهوری اسلامی ایران در امور دریای خزر

## منافع ملی ایران وکنوانسیون خزر



عکس، چپتنی ازایران،زاده، پیشکده ضربانگران جوان

اسناد و پهنه‌های آبی مشاهده نمی‌کنید؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به توافق کشورها درباره تقسیم‌بندی سطح خزر و میزان آن اشاره کرد. در کنوانسیون، سطح خزر به چهار منطقه تحت عنوان آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی به عرض ۱۵ مایل، مناطق ماهیگیری به عرض ۱۰ مایل و پهنه دریایی مشترک تقسیم شده است. همچنین در زمینه تعریف دریای خزر در متن کنوانسیون، به تعریف «توده آبی محصورشده به وسیله قلمرو خشکی طرف‌ها» بسنده شده است.

❧ حتما شاهد بوده‌اید که هم در سطح افکار عمومی و هم در سطح کارشناسان و تحلیلگران صحبت بر سر این است که ایران سهم خود را در خزر از دست داده است و کشور و دولت متهم به خیانت می‌شوند. سئوال من این است‌که با امضای این کنوانسیون، سهم و درصد ایران از تقسیم خزر چقدر است؟

وقتی صحبت از تقسیم و مرزبندی در حوزه‌های آبی مطرح می‌شود، نحوه تقسیم و تحدید حدود متفاوت از خشکی است و اگر توضیح داده نشود، کسانی که از ترم‌های حقوقی اطلاع ندارند، به اشتباه می‌افتند. در پهنه‌های آبی ما با دو شکل از تقسیم روبه‌رو هستیم؛ یک تقسیم مربوط به سطح و ستون آب است و دیگری تقسیم مربوط به کف یا بستر و زیربستر آن درواقع ادامه خشکی است. ترم حقوقی که مربوط به تقسیم‌بندی کف آب است با عنوان تحدید حدود بستر و زیربستر شناسایی می‌شود. این تحدید حدود مربوط به کشورهای مقابل یا مجاور در دریاست و قرار نیست با موافقت پنج کشور انجام شود. در کنوانسیون مربوط به سطح و ستون آب است و دیگری تقسیم در زمینه تحدید حدود بستر و زیربستر یا یکدیگر توافق خواهند کرد. پس در این خصوص ما باید با ترکمنستان و جمهوری آذربایجان به صورت جداگانه به توافق برسیم

که برای استفاده از منافع و منابع اقتصادی بستر و زیربستر مرزها تا کجا تعیین شوند. آن چیزی هم که درباره سهم و درصد ایران از خزر در رسانه‌ها صحبت می‌شود مربوط به همین موضوع است. در این راستا، مذاکرات دوجانبه مربوط به تحدید حدود بستر و زیربستر دریا میان ایران با ترکمنستان و جمهوری آذربایجان از سال‌ها قبل شروع شده است و یازبانی‌ها برای نیل به توافق نهایی با این دو کشور ادامه دارد. اما آن چیزی که مربوط به تقسیم سطح و ستون آب است، موضوع و اصطلاحات آن تغییر می‌کند. در اینجا باید خط مبدأ عادی یا مستقیم هر کشور در خزر ترسیم و مشخص شود. همان‌گونه که قبلاً اشاره کردم، کشورهای ساحلی در زمان امضای کنوانسیون تصمیم گرفتند یک موافقت‌نامه الحاقی به کنوانسیون در زمینه نحوه ترسیم خط مبدأ مستقیم تدوین کنند که مذاکرات آن در حال انجام است. خط مبدأ برای مشخص کردن تعیین

❧ تا‌زمان نهایی‌شدن مذاکرات دوجانبه با ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، ایران در خزر از چه حدودی صیات می‌کند؟
همان‌گونه که می‌دانید بعد از فروپاشی شوروی، دریای خزر مورد توجه شرکت‌های بین‌المللی برای دسترسی به منابع انرژی قرار گرفت و این درحالی بود که نظام حقوقی مشخصی برای نحوه بهره‌برداری از منابع دریای خزر وجود نداشت. در این شرایط و از همان ابتدای زمان فروپاشی، ایران طبق تصمیمات مراجع قانونی و برای تأمین منافع خود در خزر، حفاظت از محدوده مشخصی از دریا را در دستور کار قرار داد. از این محدوده مشخص، تا زمان نهایی‌شدن مذاکرات مربوط به تحدید حدود بستر و زیربستر دریا میان ایران با ترکمنستان و جمهوری آذربایجان، صیانت خواهد شد. کشورهای همسایه ما نیز از این موضوع آگاهی دارند.

❧ در حالی که موضع ایران در گذشته مغالط با توافق‌نامه‌های دوجانبه شورهای روسیه، قزاقستان و جمهوری آذربایجان بود، به نظر می‌رسد ماده ۸ کنوانسیون (اشاره به اصل توافق برای تعیین حدود کف دریا) به طور تلویحی از اِیـن موضع عدول کرده است؟ اگر این فرض را بپذیریم، پیوستن ایران به این کنوانسیون دقیقاً کدام منفعت ملی را تضمین می‌کند؟

یکی از سیاست‌های اصولی کشورمان در قبال مسائل دریای خزر که همواره در تمامی اجلاس‌های مربوطه بیان و تأکید شده است، رعایت اصل اجماع نظر کلیه کشورهای ساحلی خزر در اخذ تصمیمات مربوط به این دریاست. بر همین اساس ایران در روند مذاکرات تدوین کنوانسیون که بیش از ۱۰ سال طول کشید، همواره به اقدامات سایر کشورهای ساحلی در جهت لطمه‌زدن به اجماع، معترض بوده و آن را مغایر با روند مذاکرات و خلاف روح همکاری پنج‌جانبه و مقررات موجود می‌دانست. نهایتاً کشورهای ساحلی در روند مذاکرات کنوانسیون، در ماده ۸ به این توافق رسیدند که در تعیین حدود بستر و زیربستر دریا از طریق توافق با کشورهای ساحلی مجاور و با در نظر گرفتن اصول و موازن شناخته‌شده حقوق بین‌الملل اقدام کنند. در حال حاضر نیز ایران بر رعایت اصل اجماع در تصمیمات متخذه در قبال مسائل این دریا مانند گذشته تأکید دارد.

❧ در معاهدات قبلی یعنی ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ حقوقی برای ایران در خزر تثبیت شده بود که حداقل آن حق استفاده ب‌اسویه دو کشور از سطح آب و منابع کف آن بود. با پیوستن به این کنوانسیون گوی ایران به اصل قاعده لوح مطهر در خصوص کشورهای تجزیه‌شده پیوسته و تأکید بر اصل جانشینی را رکنار گذاشته است!

یکی دیگر از مواضع و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال مسائل دریای خزر که از زمان فروپاشی شوروی و از ابتدای مذاکرات تاکنون پیگیری شده است، تأکید بر لازم‌الاجرایبودن معاهدات قبلی در خزر تا زمان تدوین و نهایی‌شدن مقررات جدید بسود، یعنی ایران در مذاکرات همواره بر رعایت معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تأکید و آن را لازم‌الاجرا می‌دانسته است. اما باید درباره این دو معاهده به نکاتی اشاره کنم؛ نخست اینکه بخش‌هایی از این دو معاهده مربوط به خزر است نه کل آنها، دوم اینکه قریب به صد سال از عمر این دو قرارداد می‌گذرد و در این معاهدات در مورد مسائل و موضوعات مبتلا به حال حاضر خزر، به‌ویژه راجع به بهره‌برداری از منابع انرژی و حفاظت از محیط زیست دریا، صحبتی نشده است، بنابراین نیازمند توافقات جدید هستیم و قراردادهای قبلی جوابگوی شرایط فعلی نیست. سوم اینکه در

این معاهدات صحتی از تعیین سهم ایران و شوروی و تقسیم کف و تحدید حدود بستر و زیربستر خزر میان ایران و شوروی نشده است. بنابراین بسیاری از مطالب و تفاسیر منتشره در زمینه سهم ۵۰ درصدی ایران در خزر و از این تفاسیر، سخنی نادرست و نسنجیده است. در زمینه اصل جانشینی کشورها نیز باید به این موضوع اشاره کنم که مهم‌ترین تعهدی که در مورد جانشینی کشورهای تغییر نمی‌کند و به روال سابق باقی می‌ماند، تعهدات و معاهدات مرزی است. بعد از فروپاشی شوروی و افزایش تعداد کشورهای ساحلی از دو به پنج کشور، ایران، جمهوری‌های شوروی سابق را به عنوان کشور جدید به رسمیت شناخت که در حقوق بین‌الملل مفهوم و تبعات خاص خود را دارد. همچنین در مرزهای خشکی ما با کشورهای جدیدالتاسیس ترکمنستان و جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیز طبق معاهدات

مرزی ایران با شوروی، عمل شد و تغییری روی نداد و مرزهای قبلی حفظ شد. اما در خزر، میان ایران و شوروی سابق مرزبندی و تقسیم و تحدید حدود کف دریا صورت نگرفته بود و معاهده مرزی نداشتیم که به واسطه فروپاشی، مدعی آن شویم. با تمام این ملاحظات، در زمان امضای کنوانسیون رژیم حقوقی دریای خزر در اجلاس سران در آکتائو، وزارت امور خارجه در یادداشت رسمی و اعلامیه تفسیری به سایر کشورهای ساحلی اعلام کرد که معاهدات ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ هم باید در اجرای کنوانسیون

مد نظر باشد. همچنین در ماده یک کنوانسیون بندی آمده است که به شکل ساحل و قرارگرفتن یک کشور ساحلی در وضعیت نامساعد در تعیین مناطق سلط دریا اشاره می‌کند. این بند به واسطه شکل سواحل ایران در خزر در متن کنوانسیون درج شد و قرار است در مذاکرات آتی مربوط به تعیین خط مبدأ مستقیم، این موضوع مدنظر قرار گیرد. در اعلامیه تفسیری نیز به این موضوع اشاره شده است. علاوه بر ارسال رسمی یادداشت، متن اعلامیه تفسیری هنگام امضای کنوانسیون توسط وزیر خارجه خوانده شد.

❧ البته مغالطان می‌گویند در آن معاهدات حقِ برای ایران ایجاد شده بود اما ایران نمی‌توانست به دلایل سیاسی استیفای حق کند، ولی امروز این مانع برطرف شده است.

برای روشن‌شدن بحث، پیش‌فرضی را مطرح می‌کنم مبنی بر اینکه اگر فروپاشی شوروی صورت نمی‌گرفت و ایران و شوروی می‌خواستند دریای خزر را میان خود تقسیم و تحدید حدود کنند، با توجه به طول ساحل کشورمان در خزر در مقابل طول سواحل شوروی سابق که تقریباً یک ششم بود، سهم ما از خزر چقدر بود؟ آیا در صورت وقوع این پیش‌فرض، واقعاً سهم ایران از ۵۰ درصد بود؟ یعنی آب‌های ایران مقابل سرزمین و خشکی شوروی تعریف می‌شد؟ مثال دیگر اینکه بعد از فروپاشی، میان روسیه که وارث شوروی سابق بود و قزاقستان به عنوان کشور تازه‌تأسیس، در خزر تحدید حدود دریایی بستر و زیربستر صورت گرفت و بر مبنای روش‌های تقسیم و طول سواحل، سهم قزاقستان بیشتر از روسیه شد. درحالی‌که بر مبنای سهم شوروی، روسیه فعلی باید سهم بیشتری می‌برد. بنابراین این یک نوع خلط‌کردن بحث است. ما در خزر مرزبندی و تحدید حدود نداشتیم که بعد از فروپاشی مدعی آن شویم و همچنین وقتی کشورهای جدید را در حاشیه خزر به رسمیت شناختیم، پس باید حقوق آنها در خزر را نیز به رسمیت بشناسیم.

❧ یکی از موارد انتقاد به کنوانسیون، زمان پیوستن به آن بود، به نظر شما آیا در آن مقطع که تمرکز سیاست خارجی ایران بیشتر روی برجام و مسئله هسته‌ای بود، زمان مناسبی برای امضا بود؟

فرضی که پشت این سؤالات و ابهامات وجود دارد، این است که ما با امضای کنوانسیون امتیازی به روسیه داده‌ایم. درحالی‌که چنین نیست و این مطلب بیشتر القای غربی‌هاست. برای ما، منافع ملی در اولویت است و قرار نیست هیچ امتیازی به کسی بدهیم.

همان‌طور که قبلاً اشاره کردم متن فعلی کنوانسیون از مدت‌ها قبل نهایی شده بود و در هر زمانی، آماده امضا بود و منافع ملی ما ایجاب می‌کرد وارد این معاهده شویم. از طرف دیگر، ناتو و آمریکا به برخی کشورهای ساحلی خزر فشار می‌آوردند که بتوانند از طریق آنها وارد حوزه خزر شوند. در حال حاضر این موضوع توافق شده که این محدوده آبی منحصرأ متعلق به کشورهای ساحلی است و هیچ طرف ثالثی نمی‌تواند وارد خزر شود. قطعاً این مفاد، منافع ملی را تأمین می‌کند. رئیس جمهور ایران پس از امضای این کنوانسیون تأکید کرد که این معاهده جلوی حضور آمریکا را در خزر می‌گیرد. پس ما اینجا امتیازی ندادیم، بلکه امتیازی گرفتیم.

❧ در ماده ۳ کنوانسیون، حضور نیروهای مسلح خارجی در دریای خزر منع شده است. آیا این ماده شامل نیروهای مستشاری هم می‌شود؟

علاوه بر توافق کشورهای ساحلی بر عدم حضور کشورهای ثالث در خزر، کشورهای ساحلی در کنوانسیون درباره عدم استفاده و اقدام نظامی از قلمرو خود علیه سایر کشورهای ساحلی نیز توافق کردند. اگر دقت کنید در کنوانسیون آمده است که در اختیار قراردادن قلمرو خود توسط هر یک از طرف‌ها به سایر دولت‌ها برای ارتکاب تجاوز و انجام سایر اقدامات نظامی علیه هر طرف، یعنی طبق کنوانسیون، اقدام نظامی علیه دیگر کشورهای ساحلی علاوه بر خزر، از طریق قلمرو خشکی آن کشور نیز علیه سایر کشورهای ساحلی منع شده است. البته باید بررسی شود استفاده از نیروهای مستشاری را چه هدف و اقدامی صورت می‌گیرد. اگر با هدف اقدام علیه امنیت سایرکشورهای ساحلی خزر باشد، نقض کنوانسیون خواهد بود.

ادامه در صفحه۱۵

#### آینه

### زیارت

**هیجان فروش در بورس تهران**

شخص کل بورس تهران روز گذشته یکی از سهمگین‌ترین افت‌های خود را در سال جاری تجربه کرد. دیروز نامگر اصلی سهام در بدترین عملکرد خود طی پنج ماه اخیر تمام رشد پاییزی خود را پس داد و ضمن ریزشی ۴/۴ درصدی به کمترین سطح از آخرین روز کاری تابستان عقب‌نشینی کرد. تقریباً تمام نمادهای بورسی در جریان دادوستدهای دیروز با افت قیمت به کار خود پایان دادند. هجوم مضاعف خریداران را در پی داشت، که در نهایت، منجر به تشکیل صف فروش در نماد حدود ۷۵ درصد از کل شرکت‌های بورسی شد. سیکطره افق‌های کوتاه‌مدت سهامداری و هیجان‌زدگی مفرط معامله‌گران در کنار تقلیدهای نابجا از روند عمومی چنان بر معاملات سایه انداخته که دیگر جایی برای تحلیل نیست. در هجوم دسته‌جمعی فروشندهگان، تنها تلاش برای نجات سرمایه‌ها به اولویت بورس‌بازان بدل شده و چنین می‌نماید که بازار هرگونه رویکرد میان‌مدت برای سرمایه‌گذاری را پذیرا نیست. زنگارِ رفتن‌های چند روز اخیر شاخص بورس را می‌توان در راستای تلاش سهام برای دستیابی به نقطه مرجع تعبیر کرد؛ تلاش برای بازپایی تعادل و تخلیه هیجاناتی که پیش از این به شکل رشد شتابان در بازار نمایان می‌شد.

### کیهان

**مگر آمدنیوز کدام خیانت را کرد که زنجیره‌ای‌ها مرتکب نشده باشند**

باید از مدیر روزنامه اعتماد پرسید مگر باند آمدنیوز در پشت نقاب رسانه، کدام خیانت را مرتکب شدند که نشریات زنجیره‌ای مدعی اصلاح‌طلبی مرتکب آن نشده‌اند؟ اگر کار باند روح‌الله زم، تولید و انتشار شایعه، ترور شخصیت نظام، تحریک به آشوب و ایجاد ناامنی و عدم تمکین از قانون بود – که همین است – نشریات زنجیره‌ای از سال ۷۶ به امروز و به تناسب همین ماموریت را دنبال کرده‌اند. آنها چه در سال ۷۸ و چه در سال ۸۸، آتش‌پیران اصلی تحریک به قتنه و آشوب و ایجاد تردید و بی‌اعتمادی در اذهان عمومی بودند. درین‌حال اگر روح‌الله زم از کشور گریخت و علناً از خدمت سرپس‌های اطلاعاتی بیگانه درآمد، همکاران متعددی در نشریات زنجیره‌ای و از جمله روزنامه اعتماد همین مسیر را طی کردند و هم‌اکنون با بی‌بی‌سی، رادیو فردا و... همکاری می‌کنند. اگر هم آمدنیوز از برخی پروژه‌های بی‌بی‌سی و نظیر این رونویسی می‌کرد، متأسفانه همین کار قبیح عیناً در روزنامه اعتماد هم بارها اتفاق افتاده است.

### ایران

**ادعاها درباره سرنوشت ارز ۴۲۰۰ تومانی چگونه واقعیت را تحریف می‌کند؟**

مداخله ارزی در تمام بانک‌های مرکزی دنیا، داستان سبیزدن دارد. تمام بانک‌های مرکزی دنیا با هدف حفظ ارزش پول ملی و جلوگیری از نوسانات ارزی که به اقتصاد و معیشت مردم آسیب می‌زند، تصمیمی برای تأمین کالاهایی که با معیشت مردم رابطه مستقیمی دارد، اختصاص یافت. در زمانی که دولت نرخ ۴۲۰۰ تومان را برای ارز تعیین کرد، فاصله قیمتی آن با بازار ناچیز بود و التهابات ارزی در همراه به اوج خود رسید. منتقدان با این حربه روانی که دلار امروز ۱۱۴۰۰ تومان است و از روز ۴۲۰۰ تومان بوده و فاصله این دو نرخ را هر دلار است، داندما در حال حمله به تمام دستاوردهایی هستند که اتخاذ آنها، اثر تحریم‌های اقتصادی علیه کشور را محدود کرده است.

### سازش

**تحریم چگونه می‌میرد**

محسن بهرادی،... کلمات تحریم و برجام و مذاکره و آمریکا و اروپا را رها کنید، بیایید کاری کنیم واژگان کلیدی و پرکاربرد ادبیات روزمره ما، تلاش و علم و جوان و تولید و ابتکار باشند، چراکه ادبیات، فکر می‌سازد و فکر و اندیشه، پایه و جهت حرکت را معین می‌کند. دشمن، از دیرباز دشمن بوده و تا زمانی که تغییر ماهوی نکند، همچنان دشمن است، گرگ‌صفت و درنده‌خو و بی‌رحم هم هست، اما تا همین‌جای کار هم در خیلی از میانین بزرگ در برابر ما به خاک افتاده، بیایید باور کنیم از دشمن، فقط دشمنی سر می‌زند و مذاکره و تحریمش، دو راه مختلف برای رسیدن به یک مقصد است که آن هم آسیب‌زن به ما باشد. دشمن را باید مدیریت کرد و راه دفع دشمنی او، نه موضع ضعف که اتفاقاً موضع اقتدار و بی‌نیازی است. اگر گام اول، اصلاح ادبیات باشد، گام دوم، بی‌شک تحکیم و تقویت احساس بی‌نیازی از خارج، در یکایک مردمان این سرزمین است.